

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------

ملالی موسی نظام
جولای ۲۰۰۸

محصل استقلال افغانستان و لطیف پدram افغانستانی «؟» پدram پرچمی بر اعلیحضرت غازی امان الله خان میتازد!! از حامی وحدت ملی تا مخرب وحدت ملی

متاسفانه اوضاع نابسامان و انرشیزم مزمن در جامعه افغانستان مسائلی را بمیان می آورد که باعث تعجب نه، بلکه موجب افسوس میگردد. گروه هایی که صرف به قدرت طلبی و ثروت اندوزی اشتغال دارند، متاسفانه از هر نوع عمل و فعالیتی که منافع علیای مردم مظلوم افغانستان دران مضمر باشد، گریزان اند، مبرهن است که مرتجعینی چون لطیف پدram هم که ازدوران داکتر نجیب که افتخار همکاری وی را دارا بود تا امروز با چهره و رنگ هایی که ارتجاع بر وی میپاشد، قیافه بدل مینماید.

عبداللطیف « عبدالطیف » پدram که حتی از نوشتن صحیح (۱) اسم خویش ناتوان است، از همان اوان جوانی که بنام مستعار « پامیر » در روزگاران خون و آتش که به کمک وطن فروشان خلق و پرچم و تجاوز بیشترمانه سوسیال امپریالیزم شوروی پی وقت بر ملت افغان نازل گردیده بود، در جستجوی شهرت و پیمودن راه موفقیت بهروسیله ممکنه تلاش مینمود. نامبرده به اساس پالیسی حکومت کمونیستی که تفرقه اندازی را بین اقوام شریف افغانستان، کلید موفقیت و مخرب وحدت ملی میدانست، این عمل غیر ملی را برای رسیدن به اهداف شهرت طلبی ای مدام العمر انتخاب نمود.

لطیف پدram با همکاری و فعالیت های گوناگون در پوست های مختلفه با طرز کار دستگاه شکنجه ملی یا «خاد» آشنا گردید و گویا از همانجا با داکتر نجیب که خود از گردانندگان آن دستگاه بود، نزدیکی حاصل کرد و به حیث دستیار وفادار وی تا اخیر دوران قدرتش باقی ماند.

وفاداری لطیف پدram را به دستگاه خاد و عمال آن از انجا باید قضاوت نمود که سال گذشته زمانیکه یکی از وطن فروشان نامی ای پرچم، محمود بریالی برادر ببرک، سردمدار خابین ملی مردم افغانستان، به اسفل السافلین واصل گردید، در پهلوی دستگیر پنجشیری و دیگر وطن فروشان معلوم الحال وابسته به حزب « ح د خ ا »، مراتب تأثر عمیق و تسلیم خویش را با افسوس و زار نالگی در مضمونی که در سایت خاوران به نشر سپرد، بیان نمود و وفات آن جنایتکار تاریخ، عضو کی، جی، بی را ضایعه بزرگ ملی دانست!!! لطیف پدram واقعا با جسارت درینعمل نقاب تظاهری را که بر چهره زده بود، بدور انداخت!!

بهر حال پدram جوان ظاهراً به منظور تحصیل و حقیقتاً برای بر آورده گشتن دسیسه های وسیعی که رژیم سفاک آخوند های ایران برای تخریب وحدت ملی افغانستان و استعمال عمال افغانی بر علیه منافع علیای مردم خودشان همیشه درپلان دارد، عازم ایران گردید و با شستشوی مغزی بی که استعداد پذیرش آن کاملاً موجود بود، به يك شخصیت سر سپرده افراطی آن رژیم ضد بشری و ناقض مطلق پرنسپپ های حقوق بشر درآمد.

پدram در ایران از اولیای امور آن رژیم بد نام هم جلو تر رفت، چنانچه نامبرده به اساس مفکوره سیاه و ملت شکن اقلیت ناکام تفرقه اندازان معلوم الحال، اقوام غیر پشتون افغانستان رابه شمول خودش « افغانستانی » نامید. اینکه چه انگیزه پدram افغانستانی را وادار به کاندید درانتخابات ریاست جمهوری افغانستان نمود، باید

موضوع را در لابلای نقشه های ماهرانه و مزورانه روسیه فدرال و همان رژیم آخوندی جستجو نمود که نامبرده بستگی عمیق و سرسپردگی ابدی به هردو دارد.

ناکامی در مبارزه انتخاباتی از آنجا شروع گردید که لطیف پدram در حضور جمعیت بزرگی از ناظرین اعلام داشت که وی «افغان» نبوده بلکه «افغانستانی» میباشد. نتیجه این ادعای مسخره و غیرقانونی (۲) را همه شنیدیم..... مردم مظلوم افغانستان که از جنگ و تفرقه و خیانت جان به لب آورده بودند، با حمله به جناب کاندید، ویرا و ادار به فرار ساختند چنانچه این گریز مسخره از راه عقب عمارت، رئیس جمهور احتمالی را به این حقیقت آشنا نمود که با افتخارات و منافع علیای ملت واحد افغان نمیشود بازی نمود.

باری درین سال های اخیر لطیف پدram که تقریباً فراموش جامعه افغانی گردیده بود، با قضیه آقای اکبر بای و رشید دوستم که در همان شب، پدram کاملاً نشه و از خود بیخود در آنجا دستگیر گردید، باز هم به حکم بادران به صحنه آورده شد و تفرقه اندازان به وی فهماندند که باید از افغانستانی گفتن بگذرد چون آن متاع بی ارزش دیگر خریداری نخواهد داشت. بنابراین لطیف پدram اینبار با لباس جدید هواخواهان پوشالی «رژیم سیاسی فدرال» وارد معرکه میشود.

باید تصریح نمود که یکی از علل ناکامی و مشکلات گروپ هایی که از بیرون سرحدات افغانستان رهنمایی میگردند اینست که چون مفکوره و پلان های تفرقه اندازی آنان با عنعنات و ارزش های ملی مردم افغانستان وفق نمینماید، اکثرآ عکس العمل های محیطی و اعتقادات مردمی نقیض پلان ها و نقشه های شوم صا در شده از خارج آنان واقع گردیده و قابل دوام نمیباشد که يك نمونه آن همین های و هوی برای هیچ «افغانستانی» بازی بی نافرجام بود!!

درین مورد عکس العمل مردم افغانستان را در کابل و ولایات بر علیه چنین يك وطن فروشی که انگشت کثیف و ناپاک خویش را بر قهرمان ملی و محصل استقلال افغانستان شاه امان الله غازی میگذارد، به چشم سر مشاهده نمودیم. در قیام ها و مظاهراتی که بر ضد چنین يك مفتن هزار چهره در اکثر ولایات کشور به عمل آمد، نفرت و انزجار مردم منجر به فتوای حکم اعدام لطیف پدram «افغانستانی» رئیس ناکام کنگره حزب نام نهاد ملی!!» گردید. میگویند اگر در خانه کس است، يك حرف بس است!! آیا این هزاران نوع انزجار، عکس العمل و نفرتی که از جانب مردم ما ازین شخصیت تفرقه انداز و ابسته به غیر، به عمل آمد و در سرتا سر دنیا منتشر گردید، درس عبرت و اسباب خفت ابدی را برای لطیف پدram «افغانستانی» و پشتیبان مفکوره وی چون تلویزیون و ابسته و ضد وحدت ملی ای «خراسان» فراهم ننمود؟؟

در مورد تغییر شکل سیاسی دولت افغانستان به سیستم «فیدرال» هم که کاملاً با روحیه و متن قانون اساسی موجود افغانستان (۳) تناقض دارد، تنها و تنها با اکثریت آرای مردم افغانستان در يك لویه جرگه واقعی ای ملی امکان پذیر خواهد بود. بانظر داشت شرائط فعلی که حکومت حتی قادر به تامین امنیت در خود پایتخت نیست، فیدرالیزم در افغانستان صرف میتواند به حیث يك پیشنهاد مضحک و خنده دار در مجالس مطرح گردیده و حاضرین را بخنداند..... دیده و شنیده میشود که بعضی از وسائل ارتباط جمعی و ابسته به این گروپ ها مانند جریده امید و تلویزیون دون سویه خراسان هم وقتاً فوقتاً درین حلوا گفتن های بیهوده دهن شریں نموده اجرای وظیفه برای اهداف تجزیه این سرزمین مقدس مینمایند.

رژیم فیدرال که در شرائط امنیت در مملکت، دران حکومت مرکزی فوق العاده قوی میباشد، قسمتی از اختیاراتی را که قانون مجاز میداند، به ولایات تفویض مینماید. ولایات هم به نوبه خود در امور داخلی دارای قدرت اجرایی بوده و تصامیم مهم مربوط به منافع و شرائط خاص همان ولایت را با در نظر داشت مواد قانون اساسی با تشکیل حکومتی خاص خود به مرحله اجرا در می آورد. در راس حکومت ولایتی شخص والی یا گورنر آن ولایت که با انتخابات آزاد، مستقیم و سری از بین اهالی خود آن ولایت انتخاب میگردد، قرار دارد. در چنین رژیمی باز هم بنا بر نص قانون اساسی و منافع علیای ملت، تصامیم بیشماری را حکومت مرکزی که در راس آن رئیس قوای اجرائیه یا رئیس جمهور قرار دارد، اتخاذ مینماید. البته رول نمایندگان ملت را در مجلسین پارلمان نباید از خاطر دورداشت. این نمایندگان که ارگان قانون گزار دولت فدرال را تشکیل میدهند، در اتخاذ تصامیم فوق العاده ئی که رئیس جمهور پیشنهاد مینماید، بحیث نمایندگان ملت، از قدرت زیادی بر خوردار مینباشند.

در نمونه های دول فدرال امروزی میتوان سیستم فیدرالی ایالات متحده امریکارا که ایجابات محیطی خاص چنین جامعه ای آنرا بوجود آورده است نام برد که در پهلوی آن رژیم فیدرال سویس با تعامل ایالتی در عرصه قرن ها، کاملاً مخصوص آن سرزمین می باشد که ابتدا به شکل کانفدراشن و بعداً بصورت يك دولت فدرال با قوت يك حکومت مرکزی عرض وجود نمود

حال اگر دار و دسته لطیف پدram و حامیان بیرون سرحدات آنها با دارندگان میکروفون های تلویزیون های و ابسته و جراید معلوم حال آنان، با فدرال بازی و فدرال سازی میخواهند در سرزمینی که باموجودیت اینهمه

قوای بین المللی تا هنوز از خیر يك امنیت نسبی در سرتاسر مملکت برخوردار نشده اند، شیرازه خود مختاری ولایات را که حتی والی های آن قادر به حد اقل اداره آن نگردیده اند، پی ریزی نمایند، باید به صدای بلند خندید!!!

این بود جنبه خنده دار قضیه فیدرالیزم در افغانستان بی لجام و جنگ زده ویران. اما و مگر، روی دیگر قضیه فدرال بازی، عبارت است از پلان تخریب هرچه بیشتر وحدت ملی به طریق انتخابات والی های خود مختار وابسته به همسایگان با تمویل زور و زر!! در حالت متشنج موجوده به مشاهده میرسد که پلان های تفرقه اندازی هرچه بیشتر تر بین اقوام شریف افغانستان که سخت با معضله غذا و لباس، سر پناه و امنیت سردچار میباشند، روی کار است.... ولایات شرقی، غربی و جنوبی مملکت سی سال است که در آتش بمباردمان ها و کشتار های چپ و راست درخون غرق بوده و در بقیه ولایات هم فقر و بی امنیتی بیداد میکند! پس چه بهتر که همان پلان های شوم همسایگان غدار به کمک عمال داخلی آنان در چنین موقع که اداره مرکزی ممکت بکلی مورد سوال قرار گرفته است، جنبه عملی شدن بخود بگیرد.... هرات با پیوسته گشتن به ایران و شمال هندوکش آرزوی تشکیل تاجکستان بزرگ را جامه عمل بپوشاند، چنانچه شواهد زیادی موجود است که اتحاد شوروی سابق با رها این پلان رابا عمال افغانی خود فروخته، میخواست عملی نماید.

بنابراین لطیف پدram « باید» در حالت نشه و یا حالت طبعی وظیفه بد و بیراه گوئی به حامی استقلال و پشتیبان وحدت ملی افغانستان و پاسدار اتحاد اقوام باهم برابر افغان را به نفع با داران خارجی اجرا نماید!!
علیحضرت شاه امان الله غازی، شخصیتی است که ملت افغانستان تا ابد ویرابه نیات نیک و ملی، پشتیبانی از دیموکراسی و برسمیت شناختن حق زن افغان و در مجموع بحیث صادق ترین خدمتگار مردم و جامعه افغانی در طول تاریخ، هرگز فراموش نمینماید. چنانچه اعضای وطن پرست کابینه چنین يك شخصیت والای سیاسی و ملی، با وفاداری نی که به چنین رهبر ملت پروری داشته اند، همچنان در ترقی و اعتلای چنان دوره درخشان سهیم و شریک بودند. افسوس و درد ا که توطئه های استعمار با نسب یک دزد خود فروخته، چنان دوره طلائی را برباد داد!!

باری، هزاران هموطن افغان ما در سرتاسر جهان از طریق YouTube و به کمک تکنالوژی نو، صدای تصویر لطیف پدram را شنیده اند که با ادای الفاظ رکیک و دور از عفت کلام « شاید به رسم عادت » از محصل استقلال افغانستان و شخصیتی که آبادی مملکت و آزادی ملت افغان آرزوی بزرگ وی بوده است، برای اینکه باعث امتزاج مردم ما از جنوب به شمال گردیده است، به کمال بی عزتی یاد مینماید. چرا؟؟ برای اینکه خدای نکرده با جدایی صفحات شمال از پیکر افغانستان عزیز که نقشه پلید ترین و شومی است، قوم شریف پشتون باعث « درد سر و مزاحمت » خواهد گردید؟؟ بلی! نیتی که برای تفرقه ملت افغان عیار گشته است و تخریب وحدت ملی هدف و غایه نهایی محسوب میگردد، باید هم از آمال ارزشمند شاه امان الله غازی محصل استقلال و پشتیبان وحدت ملت افغان سراسیمه و آشفته خاطر گردد!!
چه لطیف پدram افغانستانی در نشه شراب و سفسطه گوئی به این شهرت منفی رسیده باشد و چه در حالت دیگر، علی الرغم تلاش مذ بوحانه او و امثال او در تفرقه اقوام شریف افغانستان، خوب میدانند که:

تایک نفر افغان است زنده افغانستان است

این طفیلی های جامعه افغانی که در خدمت به غیر پروریده شده اند، به حکم تاریخ به همان جایی میرسند که ترکی ها، ببرک ها، حفیظ الله امین ها، داکتر نجیب ها، ملا عمر ها و بقیه کسانی که با موافقات و امضای قرار داد ها با دشمنان ملت مظلوم افغان، مرتکب خیانت شده اند، واصل گردیده اند.

نوت :

- ۱ - مراجعه شود به همین سایت افغانستان آزاد در مضمون محترم انجنیرخلیل معروفی در مورد سویه و سواد لطیف پدram که اسم خود را عبداللطیف پدram مینویسد.
- ۲ - به اساس قانون اساسی جدید : ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه « افغان» اطلاق میشود.... قسمتی از ماده چهارم .
- ۳ - افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد. ماده اول.